



یادداشت

نتایج فاجعه‌بار جنگ بر زندگی کارگران و زحمتکشان

بهر روز فدایی



یورش آمریکا و اسرائیل به کشورمان باعث ویرانی و آسیب به مراکز صنعتی و تولیدی زیادی شده است و پیامدهای آن برای کارگران شاغل در این مراکز فاجعه‌بار است و زندگی و آینده آنها را دستخوش ناملایمات و رنج فراوان می‌کند، پاره‌ای از مراکز دولتی و مراکز تولیدی دیگر هم از شرایط ایجاد شده سوءاستفاده کرده و اقدام به تعدیل نیرو کرده‌اند. قوانین و ساختار جمهوری اسلامی جهت حمایت از کارگران و زحمتکشان که مورد ظلم و پایمال شدن حقوق می‌شوند، بنا نشده و طی چند دهه اخیر حاکمان همیشه در کنار سرمایه‌داری و صاحبان صنایع ایستاده‌اند و با هر گونه احقاق حقوق و اعتراضات صنفی با مشت آهنین، سرکوب، اخراج و زندان پاسخ داده‌اند. پیامدهای جنگ چهل روز بر وضعیت کارگران، زحمتکشان و افشار پایین جامعه را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم

جنگ، تحریم‌ها و پیامدهای اقتصادی آن، وضعیتی فاجعه‌بار برای کارگران و افشار آسیب‌پذیر جامعه ایران رقم زده است. داده‌های موجود نشان می‌دهد که این بحران، عمیق‌تر و سیستماتیک‌تر از آن است که تنها با مفاهیمی مانند رکود موقت قابل توضیح باشد و زندگی و آینده میلیون‌ها نفر را به طور جدی تهدید می‌کند

سقوط آزاد اقتصاد و تشدید تورم

درگیری‌های ژوئن ۲۰۲۵ میلادی به ۲۱ استان ایران خسارت زد و هزینه بازسازی به ده‌ها میلیارد دلار نیاز دارد.

رکود و تورم افسارگسیخته: برآورد می‌شود تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۵ تنها ۰.۶ درصد رشد کند (کاهش از ۲.۷ درصد در ۲۰۲۴). نرخ تورم نیز به حدود ۴۹ درصد رسیده و ارزش پول ملی تا حدی سقوط کرده که قدرت خرید را نابود کرده است

موج بیکاری و تعدیل نیرو



نرخ بیکاری به ۹.۵ درصد رسیده و ۳۳ درصد شرکت‌ها برنامه تعدیل نیرو دارند: آمارهای هشداردهنده
بازاری که شغلی در "حکایت‌هایی مانند اخراج کارگران فناوری اطلاعات در تهران، واقعیت تلخ: زندگی معلق
را نشان می‌دهد. فشارها به حدی است که بسیاری از جوانان به فکر مهاجرت اجباری افتاده‌اند" آن نیست

فروپاشی قدرت خرید و گرسنگی پنهان

یک روز کار تمام‌وقت، تنها ۷ قرص نان سنگک آن هم در بهترین حالت می‌خرد. ارزش دلاری: حقوق ناچیز
حداقل حقوق ماهانه نیز در عرض شش ماه از ۱۸۰ دلار به زیر ۱۳۰ دلار سقوط کرد
برآورد می‌شود ۸۰ درصد خانوارهای ایرانی زیر خط فقر جهانی زندگی می‌کنند و خرید: زندگی در فقر
همزمان گوشت، مرغ و برنج در یک ماه برایشان غیرممکن است

کارگران در محاصره: از اعتراض تا سرکوب

از معترضان صنعت نفت تا اعتصاب غذای ۵۰ روزه ۴,۰۰۰ کارگر کارخانه آلومینیوم اراک: اعتراضات گسترده
(که دو کارگر آن جان خود را از دست دادند) و تجمعات کارگران پیمانی پارس جنوبی
پاسخ داده می‌شود. تا جایی که حتی برای "مشت آهنین" هرگونه اعتراض با: سرکوب سیستماتیک
متهم کردند. فعالان "اخلال در نظم عمومی" رهبران یک اعتصاب غذایی، حکم جلب صادر شد و آنها را به
صنعتی نیز با زندان و اخراج مواجه می‌شوند

تخریب صنایع و بیکاری توده‌ای

حملات به زیرساخت‌ها مانند تاسیسات سانتریفیوژ و پالایشگاه تبریز، همراه با قطعی برق، تولید صنعتی را
به شدت کاهش داده است (برای نمونه تولید فولاد در مرداد ۱۴۰۳ نسبت به سال قبل ۱۰ درصد افت کرد).
این مسئله در کنار تعدیل نیروها در شرکت‌های خصوصی، کارگران بسیاری را به کام بیکاری کشانده است

زخم‌های کهنه بر تن جامعه

تجربه جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) نشان داد که چنین شوک‌هایی نه تنها باعث کاهش دستمزدها
می‌شود، بلکه سلامت و امنیت شغلی را برای دهه‌ها تخریب می‌کند. متأسفانه به نظر می‌رسد ساختار
حقوقی نیز نتوانسته مانع این سرکوب‌ها شود

واکنش دولت: وعده‌هایی که به زمین می‌ماند



دولت با طرح ۲۰ ماده‌ای، وعده جبران عقب‌ماندگی حقوق کارگران و تثبیت نرخ ارز را داده است. اما اذعان رئیس‌جمهور به اینکه بودجه قادر به هماهنگی با تورم نیست و شکایت ۶۰۰ کارگر پیمانی پارس جنوبی به خاطر ۳ ماه حقوق پرداخت‌نشده، نشان می‌دهد که این وعده‌ها هنوز تحقق نیافته‌اند.

کارشناسان اقتصادی هشدار داده‌اند که پس از ۴۰ روز جنگ، بیش از دو میلیون نفر ممکن است شغل خود را از دست بدهند. این بحران فراتر از آمار است، بلکه سونامی بیکاری و فروپاشی زنجیره‌ای اشتغال را رقم زده است. برای درک عمق فاجعه، این اعداد و ارقام را در بخش‌های مختلف صنعتی و خدماتی مرور می‌کنیم.

تابلوی سیاه بیکاری در بخش‌های کلیدی

در بررسی آماری زیر، ابعاد این فاجعه را در بخش‌های اصلی اقتصاد مشاهده می‌کنید

بخش صنعتی وضعیت و آمار کلیدی بیکاری

صنایع مادر (فولاد، پتروشیمی) بیش از ۷۰٪ صنایع فولاد و پتروشیمی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. یک مجتمع بزرگ فولادی ۲۰ هزار شغل مستقیم و ۵۰ هزار شغل غیرمستقیم را به خطر انداخته است

صنعت ساختمان ۸۰ تا ۹۰ درصد کارگاه‌های ساختمانی تعطیل شده و بسیاری از کارگران ساختمانی بیکار شده‌اند؛ کارگرانی که اغلب بدون بیمه و قرارداد ثابت هستند

صنعت خودرو اختلال در زنجیره تأمین (به دلیل مشکل صنایع فولاد و پتروشیمی) و رکود بازار، تولید را متوقف کرده است. در مجموع بیش از ۲ میلیون نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم در این صنعت شاغل هستند

کسب‌وکارهای کوچک و آنلاین ۹۰ درصد کسب‌وکارها دچار افت یا توقف تولید شده‌اند. قطعی گسترده اینترنت باعث تعطیلی یا تعدیل نیرو در بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین شده است

حمل‌ونقل هوایی با توقف کامل پروازها از روز اول جنگ، بخش اعظمی از کارکنان خطوط هوایی بیکار شده‌اند

اثر دومینو: فروپاشی زنجیره‌ای اشتغال

آمار ذکر شده تنها بخش قابل مشاهده یک فاجعه بزرگ‌تر است. جنگ، اقتصاد ایران را به یک زنجیره به هم پیوسته تبدیل کرده که با شکستن یک حلقه، کل آن فرو می‌ریزد

حمله به صنایع فولاد و پتروشیمی (تأمین‌کننده مواد اولیه)، مستقیماً صنایع: فلج شدن صنایع وابسته، ساختمان، خودروسازی و لوازم خانگی را با کمبود مواد اولیه مواجه و آن‌ها را نیز به سمت تعطیلی سوق داده است



- افزایش فشار بر نهادهای حمایتی: آوار بیکاری‌ها متوجه نهادهای حمایتی مانند سازمان تأمین اجتماعی شده است. افزایش ناگهانی مقرری‌بگیران، بار مالی سنگینی ایجاد کرده و نگرانی‌ها از توان این سازمان برای پرداخت بیمه بیکاری را افزایش داده است.
- تعطیلی یک صنعت بزرگ در یک شهر، به منزله نابودی اقتصاد آن منطقه است. به: فروپاشی اقتصاد محلی عنوان نمونه، نزدیک به ۵,۵۰۰ بنگاه کوچک و متوسط در شهری که یک مجتمع فولادی در آن فعال بوده، به طور غیرمستقیم با آن مرتبط بوده و با آسیب آن، با بحران بیکاری مواجه شده‌اند

فاجعه پنهان: قربانیان فراتر از آمار

- در پس این اعداد، فاجعه‌ای انسانی رقم خورده است که آمار رسمی از بیان آن عاجز است
- این قشر که اغلب بیمه ندارند، بدون هیچ حمایتی بیکار شده‌اند. پیش از: کارگران ساختمانی این، ۸۰ درصد آن‌ها بیمه نبودند و حالا با هیچ پشتوانه‌ای رها شده‌اند
 - زنان شاغل در مشاغل غیررسمی، اولین قربانیان تعدیل نیرو بوده‌اند و: کارگران زن و مشاغل غیررسمی آمار رسمی کمترین بازتابی از رنج آن‌ها ندارد
 - جوانان و دانش‌آموختگانی که تازه وارد بازار کار شده بودند، اکنون در نخستین گام با دیوار: نسل سرخورده بلند بیکاری مواجه شده‌اند و آینده‌ای جز سرخوردگی پیش روی آن‌ها نیست

بر اساس داده‌های موجود، بحران بیکاری در بخش صنعت ایران عمیق و سیستماتیک بوده، اما آمارهای رسمی به دلیل نادیده گرفتن جمعیت «ناامید از یافتن کار»، تصویر کاملی از فاجعه را ارائه نمی‌دهند

جداول آماری تفکیک شده صنایع

صنعت / بخش اقتصادی وضعیت اشتغال و شاخص‌های کلیدی منبع معتبر

۸.۲۶۵ میلیون نفر (۱۴۰۳) کاهش اشتغال: از دست رفتن ۲۳,۰۰۰ شغل در نیمه: کل بخش صنعت شاغل دوم ۱۴۰۳ مرکز آمار ایران

۵۲.۷ درصد از کل اشتغال کشور مرکز آمار ایران: خدمات بیشترین سهم اشتغال

بیکاری بیش از ۴۰۰,۰۰۰ نفر از ۶۵۰,۰۰۰ شاغل این صنعت در صورت: صنعت خودرو و قطعه‌سازی تهدید مداوم رکود انجمن قطعه‌سازان

در آستانه رکود عمیق و ریسک بالای تعدیل نیرو مرکز: صنایع فلزی (چوب، کاغذ، محصولات فلزی) بحرانی پژوهش‌های مجلس



در آستانه رکود عمیق و ریسک بالای تعدیل نیرو مرکز پژوهش‌های مجلس: صنعت دارو بحرانی

این آمار حاصل فشارهای همزمانی است که اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داده

- بدهی‌های انباشته (۲۸۰ هزار میلیارد تومان زیان) و حاشیه سود ناچیز، خودروسازی (خونریزی اشتغال) قطعه‌سازان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است
- قطعی گسترده برق و گاز، تولید را به شدت کاهش: صنایع انرژی‌بر (فلزات اساسی، سیمان، پتروشیمی) داده است

کاهش ۷.۵ درصدی تولید و بهره‌برداری ۵۸ درصدی از ظرفیت فولاد

وجود ۲۲ درصد ظرفیت خالی به ارزش ۱۰.۵ میلیارد دلار: پتروشیمی

کاهش تولید کلینکر به دلیل ناترازی انرژی: سیمان

- با کمبود شدید نقدینگی و کاهش تقاضای داخلی دست و پنجه نرم می‌کنند: صنایع کوچک و متوسط
- نیمی از ۵۰۰ شغل مرتبط با آن، در شرایط بحرانی قرار دارند: صنعت ساختمان

هزینه پنهان: اشتغال ناقص

فراتر از آمار بیکاری، واقعیت تلخ‌تری وجود دارد که تحت عنوان «اشتغال ناقص» پنهان شده است

- در پاییز ۱۴۰۳، ۷.۴ درصد از کل شاغلان (حدود ۱.۸ میلیون نفر) مجبور بوده‌اند به: کار اجباری نیمه‌وقت
- دلیل رکود اقتصادی، کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کنند و مابقی ساعت را بیکار باشند
- اگر نرخ اشتغال به اندازه تابستان ۱۳۹۸ بود، ۱.۶ میلیون نفر دیگر در ایران مشغول به کار: خروج از بازار کار بودند که عمدتاً از بازار کار ناامید شده‌اند

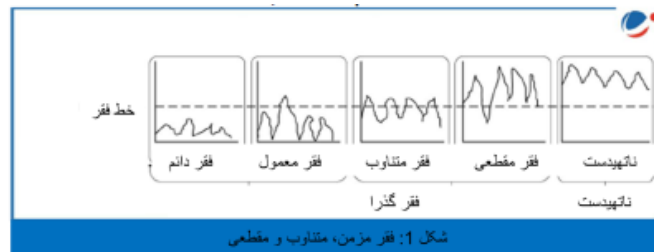
این آمار نشان می‌دهد که صنایع مادر مانند خودرو و فلزات اساسی، به دلیل بدهی‌های انباشته و ناترازی انرژی، با بیشترین خطر تعدیل نیرو مواجه هستند. برای تحلیل عمیق‌تر هر صنعت یا راهکارهای مقابله با این بحران

**همه با هم برای پایان دادن به جنگ میهن سوز و برقراری صلح و آزادی متحدان
مبارزه کنیم!**



فقر و نابرابری بخش اول

برگرفته از "خدمات اداری هند"، Vision IAS



1 فقر

«فقر بدترین شکل خشونت است» - مهاتما گاندی

فقر زمانی رخ می‌دهد که یک فرد یا خانواده نتواند نیازهای اساسی برای داشتن یک زندگی شایسته را تأمین کند. بر اساس گزارش توسعه انسانی سال 1997، فقر تنها به معنای نداشتن پول نیست، بلکه به معنای نداشتن امکان انتخاب و فرصت برای زندگی آبرومندانه است. از اینرو، ریشه کن کردن فقر امروزه به عنوان یک وظیفه اساسی بشر و یک تعهد اخلاقی، هم در سطح ملی و هم در سطح جهانی، پذیرفته شده است.

1.1 انواع فقر

فقر به طور کلی با مفاهیم نسبی یا مطلق تعریف می‌شود.

فقر مطلق

فقر مطلق میزان فقر را بر اساس مقدار پول لازم برای تأمین نیازهای اساسی مانند غذا، پوشاک و مسکن اندازه گیری می‌کند. سازمان ملل متحد آن را وضعیتی می‌داند که با محرومیت شدید از نیازهای بنیادین انسانی، از جمله غذا، آب آشامیدنی سالم، امکانات بهداشتی، سلامت، سرپناه، آموزش و اطلاعات، مشخص می‌شود. این نوع فقر نه تنها به درآمد، بلکه به دسترسی به خدمات نیز وابسته است.

بانک جهانی خط فقر مطلق را بر اساس خط فقر بین‌المللی 2.15 دلار در روز (بر پایه برابری قدرت خرید سال 2017) تعریف کرده است؛ یعنی درصدی از جمعیت یک کشور که حداقل با این میزان درآمد زندگی می‌کند. "خط فقر مطلق" بر شاخصهای استاندارد استوار است، مانند ارزش پولی تأمین حداقل کالری موردنیاز برای بقا، که در کشورهای مختلف به عنوان معیار استفاده می‌شود.

کاستیهای تعریف فقر مطلق



- مفهوم فقر مطلق به مسائل گسترده تر کیفیت زندگی یا سطح کلی نابرابری در جامعه توجهی ندارد؛
 - این مفهوم در شناسایی نیازهای مهم اجتماعی و فرهنگی افراد ناتوان است. همین کاستیها به شکلگیری مفهوم فقر نسبی انجامیده اند.
- فقر نسبی
- فقر نسبی فقر را در مقایسه با وضعیت اقتصادی سایر اعضای جامعه تعریف می‌کند؛ به این معنا که افراد زمانی فقیر محسوب می‌شوند که سطح زندگی آنها پایینتر از استانداردهای رایج در جامعه باشد.
- کاستیهای تعریف فقر نسبی
- فقر نسبی در اصل معیاری برای سنجش نابرابری است و بنابراین به کار بردن اصطلاح "فقر" برای آن می‌تواند گمراه کننده باشد. برای مثال اگر درآمد همه افراد یک کشور دو برابر شود، میزان فقر نسبی کاهش نخواهد یافت.
 - با این حال برخی معتقد اند که مسئله فقر در کشورهای صنعتی امروز عمدتاً از نوع فقر نسبی است؛ زیرا پس از رسیدن به سطحی حداقلی از توسعه اقتصادی، فقر به صورت فقر مطلق کمتر مشاهده می‌شود.
- فقر نسبی مبتنی بر استانداردهای حداقل درآمد سنجیده می‌شود که "دستمزد معیشتی" نیز نامیده می‌شود؛ یعنی درآمدی که خانواده‌ها واقعاً برای تأمین هزینه های اساسی زندگی به آن نیاز دارند.

1.1.1 سایر روشهای طبقه بندی فقر

- فقر مزمن (Chronic Poor) افرادی که همواره یا معمولاً فقیر اند (زیر خط فقر زندگی می‌کنند) اما ممکن است گاهی درآمد اندکی بیشتر به دست آورند، مانند کارگران روزمزد؛
- فقر متناوب (Churning Poor) افرادی که به طور مداوم بین فقر و غیرفقر جابه‌جا می‌شوند؛ مانند کشاورزان خرد و کارگران فصلی؛
- فقر مقطعی (Occasionally Poor) افرادی که بیشتر اوقات وضعیت مالی مناسبی دارند، اما گاهی به دلیل بدشانسی یا شرایط نامساعد دچار فقر می‌شوند.

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!



بیکاری و جنگ و هورا برای متجاوزان و جنگ افروزا

صادق کار



این روزها با وجود اینکه هنوز ۴۶ روز بیشتر از جنگ تجاوزگرانه امریکا و اسرائیل نگذشته است اما خبرهای منتشره شده در رسانه ها حاکی از افزایش جهشی ابعاد بیکاری است.

خبرگزاری ایلنا در ۲۶ فروردین خبر از بیکاری ۱۰۰ هزار نفر تنها در خوزستان داد. روزنامه دنیای اقتصاد در هفته گذشته از احتمال بیکاری دو میلیون نفر در اثر جنگ خبر داد. احتمال اینکه در این آمار با منظور خاصی اغراق شده باشد هم هست، با این حال در اینکه بمباران جنایتکارانه مهمترین و بزرگترین واحد های صنعتی در چهار گوشه کشور سبب افزایش جهشی بیکاری در بازه زمانی کوتاهی شده است، جای هیچ شکی نیست.

در جریان جنگ ۱۲ روزه اول نیز مطابق گزارش همین روزنامه ۶۵۰ هزار نفر مشاغل خود را از دست دادند. این بیکار سازی ها در شرایطی رخ می دهند که که قبل از جنگ نیز مطابق آمار تحریف شده و مسخره رسمی بیش از ۸ درصد بیکار بودند، که البته اگر معیار های من درآوردی اداره آمار که داشتن یک ساعت کار در هفته را جز بیکاری حساب نمی کند در نظر بگیریم، نرخ بیکاری بیش از آن هست که گزارش می کنند. گفتنی است که معیار یک ساعت کار در هفته را وزیر کار دولت احمدی نژاد برای پایین نشان دادن آمار بیکاری ابداع کرد و دولتهای بعدی نیز آنرا تغییر ندادند.

سئواستفاده از جنگ و بیکاری برای کاهش دستمزدها و تغییر قراردادهای

در همین حال گزارشهایی در رسانه ها منتشر می شود که نشان می دهد حکومت و کارفرمایان حتی آنهایی که کارخانه هایشان آسیب ندیده یا تولیدات شان در اثر نیازهای جنگ رشد کرده، فرصت را غنیمت شمرده و شروع به تغییر قراردادهای، روزمزد کردن کارگران، قطع آیم های مزدی، افزایش ساعات کار، ندادن حق اضافه کاری و پرداخت نکردن منظم دستمزدها کرده اند.

کاهش دستمزدها بجای افزایش مصوب شورای عالی کار

یک ماه از "افزایش" دستمزدها توسط شورای عالی کار گذشته است، با این حال وزیر کار بر خلاف سالهای گذشته از ابلاغ مصوبه شورای عالی کار تا کنون طفره رفته است بدون اینکه علت اش را فاش کند. در همین حال از گزارشات منتشر شده و فضا سازیهایی که انجام میگیرد، معلوم میشود که علت آن مخالفت سازمانهای کارفرمایی است. آنها در واقع باز هم خواهان کاهش دستمزدهای زیر خط فقر هستند. این تلاشها در شرایطی به عمل می آید که دستمزدها حالا به زحمت کفاف هزینه های تامین نان خالی را می دهد و کارفرمایان این امکان را دارند که افزایش قیمتها و تورم را با افزودن بر قیمت کالاها و خدمات خود جبران کنند.



اما کارگران نه تنها از چنین امکانی محروم هستند، دستمزدهایشان را هم می خواهند کاهش دهند. بعضی از مسئولین و نمایندگان سابق مجلس که معلوم نیست فعلا چه مسئولیتی دارند، از آن جمله یکی از نمایندگان مجلس ششم بنام سازگار نژاد در دفاع از این خواست غیر قانونی سازمانهای کارفرمایی نوشت:

"بنگاههای اقتصادی به جای تعدیل نیروی انسانی، با گفت‌وگوی شفاف با کارکنان خود، سیاست کاهش موقت هزینه‌ها و تعدیل دستمزدها را دنبال کنند تا از بیکار شدن گسترده نیروهای کار جلوگیری شود"

از این نماینده اسبق مجلس اصلاح طلب دوره ششم باید پرسید، مگر جایی برای کاهش دستمزدها باقی گذاشته شده که شما می خواهید دستمزدهای سه مرتبه کمتر از خط فقر را کاهش دهید؟

یا مگر برای کارگر تشکل و نماینده‌ای سالم گذاشته‌اید که برود با نمایندگان سرمایه داران و دولت در مورد دستمزد و بقیه امور مربوطه گفتگو و چانه زنی کند؟ و مگر نمی بینید کارفرمایان به میل خودشان بطور یک طرفه قوانین را تغییر می دهند و دولت هم اقدامات آنها را بی چون و چرا تأیید می کند؟.

می بینیم که بیکاری تنها مصیبت جنگ برای کارگران نیست و عواقب و پیامدهای دیگری نیز برای آنان بوجود می آورد که اثرات آن برای سالها ی پس جنگ روی زندگی و معیشت کارگران باقی می ماند.

آنهایی که برای بمباران کارخانه ها، کشتن و بیکار کردن و بریدن نان میلیونها کارگر هورا می کشند و رقص و پایکوبی می کنند، آیا فهم درک مصیبت هایی که جنگ برای مردم ایران بوجود می آورد را دارند؟ آیا هرگز معطل نان شب شان بوده‌اند؟ سفره های خالی را تجربه کرده‌اند، اعضای خانواده شان را زیر بمب های سنگر شکن عمو ترامپ و بی بی از دست داده‌اند؟ آیا مانند آن سه و نیم میلیون نفری که به دنبال جان پناه آواره شهرها و روستاها شده‌اند، آوارگی و خانه بدوشی را هرگز تجربه کرده‌اند؟ کودکان دبستانی شان زیر بمب و موشک های کمکی و اهدایی ترامپ و ناتانیاهو به فجیعترین شکل کشته شده‌اند. با درآمد یک چهارم خط فقر زیسته‌اند؟

تنها در تهران ۳۰ هزار خانواده خانه هایشان ویران شده است، این جماعت هلله کن برای تجاوزگران خارجی به "میهن شان"، آیا اخبار مربوط به کشتار، نابودی هزاران مدرسه، تخریب دهها بیمارستان، داروخانه، کارخانه داروسازی، خط راه آهن، کارخانه برق، پالایشگاه، کارخانه پتروشیمی و ماشین سازیهای بزرگ را که تولید و صنعت و گردش امور اقتصادی و معیشتی و رفاهی عموم مردم با نابودیشان دچار اختلال می شود را حوصله دارند بخوانند و بشنوند؟

این افراد خطا می کنند و مردم ایران هستند که باید تاوان خطاهای آنها را بدهند. با این حال خطاکار اصلی رژیم است که با سیاستهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرتجعانه خود، با سیستم آموزشی و تحریف و تعریف تاریخ این سرزمین، با سانسور، سرکوب و استبداد، نسلی را چنان بار آورده است که برای کشتار مردم و ویرانی کشور خود توسط دشمنان دوست نمای آن هورا می کشند. و رژیم به جای سرزنش خود که مقصر اصلی بوجود آمدن این وضعیت است، آنها را به زندان و اعدام محکوم می کند. برآستی وضعیت تراژیکی است. با اعدام و پر کردن زندانها از جوانان و فریب خوردگان این تراژدی پایان نمی پذیرد. استبداد و سانسور و سرکوب را تا دیرتر نشده باید از این سرزمین جارو کرد.

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!



تاوان جنگ و تحریم های اقتصادی را مردم می پردازند، ما مخالف جنگ و تحریم های اقتصادی فقرآور هستیم!

بحران معیشت و هر سال دریغ از پارسال

صادق



دولت سالهاست که از افزایش حقوق های بازنشستگان طفره می رود. و هر ساله شکاف میان حقوق های بازنشستگی با هزینه های زندگی عمیقتر می شود. امسال نیز این شکاف بیشتر شده است و دولت که وعده داده بود با اجرای قانون همسان سازی شکاف را پر خواهد کرد به وعده خود عمل نکرده است.

دولت در سالهای اخیر با اجرای یک رشته اقدامات مانند، حذف یارانه کالاهای اساسی و دارو، و آزاد سازی قیمت ها هزینه های زندگی را بالا برده و با این کار باعث بهم خوردن بیشتر تناسب میان هزینه ها و درآمدهای بازنشستگان و شاغلان شده است. گرانی شدید دارو نیز بعد از حذف یارانه آن، بخش قابل توجهی از حقوق اندک بازنشستگان را به خود اختصاص می دهد.

وضعیت معیشتی بازنشستگان آن چنان بحرانی شده، که تامین اجتماعی برای کسری هزینه معیشت به بازنشستگان وام کم بهره می دهد.

با اینکه بسیاری از بازنشستگان بعد بازنشستگی دوباره برای تامین کمبود هزینه های زندگی خود مشغول کار شده اند و بعضا به دست فروشی روی آورده اند، ولی برای تامین معیشت خود همچنان کمبود دارند

در کنار آن حقوق های بازنشستگی نیز به موقع پرداخت نمی شود. بخشی از افزایش حقوق بصورت مزایا پرداخت می شود تا دولت هر وقت که خواست بتواند، آنرا کم و زیاد یا بکلی حذف کند. یکی از پیامدهای منفی دیگر پرداخت مزایا بجای افزایش حقوق آن است که چون بعنوان حقوق تلقی نمی شود هنگام محاسبه حقوق بازنشستگی باعث کاهش حقوق دوران بازنشستگی می شود.

رئیس کانون عالی کارمندان بازنشسته مشمول قانون تأمین اجتماعی با مقایسه دستمزدها و حقوق بازنشستگی در سالهای قبل تصویری واقعی از بدتر شدن هر ساله حقوقها بدست می دهد که کسی نمی تواند آنرا انکار کند. او می گوید: در سال ۱۳۸۷ حداقل دستمزد حدود ۲۳۰ هزار تومان بود که معادل



تقریبی ۲۵۰ دلار و تقریباً برابر با قیمت یک سکه طلا در آن زمان بوده است. همچنین سبد معیشت خانوار حدود ۵۰۰ هزار تومان برآورد می‌شد.

این ارقام نشان می‌دهد که شکاف همواره میان هزینه‌ها و دستمزد‌ها در جمهوری اسلامی وجود داشته و هر ساله بیشتر شده است.

عباسعلی سلطانی‌کیا، رئیس کانون عالی کارمندان بازنشسته مشمول قانون تأمین اجتماعی،

با اشاره به سقوط معیشت کارکنان و بازنشستگان گفت: نخستین اقدامی که باید اصلاح شود، نحوه احتساب مزایا است. کلیه مزایا از جمله بن خواروبار و حق مسکن و حق همسر باید در پایه حقوق ادغام شوند. همان‌گونه که از عنوان «مزایا» برمی‌آید، امکان حذف یا تغییر آن‌ها در هر زمان وجود دارد؛ بنابراین چنانچه این موارد در پایه حقوق منظور شوند، به نفع کارکنان و حتی کارفرمایان خواهد بود.

به عقیده وی: موضوع دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، لزوم متناسب‌سازی حقوق‌ها از سال ۱۳۸۷ تاکنون است. در سال ۱۳۸۷ حداقل دستمزد حدود ۲۳۰ هزار تومان بوده که معادل تقریبی ۲۵۰ دلار و تقریباً برابر با قیمت یک سکه طلا در آن زمان بوده است. همچنین سبد معیشت خانوار حدود ۵۰۰ هزار تومان برآورد می‌شد. بایستی شکاف ایجادشده در قدرت خرید حداقل‌بگیران نسبت به سال ۱۳۸۷ محاسبه شود و متناسب‌سازی واقعی صورت گیرد، زیرا ارزش واقعی دستمزدها طی سال‌های اخیر به‌طور محسوسی کاهش یافته است.

حالا ارزش دستمزد حداقل‌بگیران کمتر از ۸۰ دلار است و قیمت سکه حدود ۱۸۰ میلیون تومان شده است. با وجود این شکاف عمیق و ناممکن شدن روز افزون زندگی با حقوق کنونی، دولت اعتناعی نسبت به درخواست افزایش حقوق بازنشستگان نمی‌کند. سلطانی‌کیا راه حل را:

رعایت شفافیت در پرداخت‌ها، واقعی‌سازی لیست حقوق و مزایا، متناسب‌سازی دستمزدها با شاخص‌های اقتصادی و اصلاح ساختار بیمه‌پردازی، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود وضعیت نیروی کار شاغل، بازنشسته و حتی کارفرمایان منجر شود.

از گفته‌های وی در سطور بالا معلوم می‌شود که کارفرماها برای اینکه حق بیمه کامل کارگران شان را پرداخت نکنند، لیست حقوق‌ها را کمتر از آن که هست برای بیمه می‌فرستند، متناسب‌سازی هم انجام نمی‌شود، از مزایا حق بیمه کسر می‌کنند، اما در حقوق بازنشستگی آن را ملحوظ نمی‌کنند.

در واقع در نتیجه این اقدامات که نامی غیر از تبانی مدیریت دولتی تأمین اجتماعی با کارفرمایان نمی‌توان بر آن نهاد. این دو باهم حقوق دوران بازنشستگی را چنان مهندسی می‌کنند که هنگام بازنشستگی کارگر حقوق چندانی به وی تعلق نگیرد. علت اینکه اکثریت بازنشستگان حداقل بگیر هستند، همین است.

راه کارهای سلطانی‌کیا نیز متأسفانه به کار ثبت در تاریخ می‌خورد، زیرا همه‌ی آن اقداماتی که باعث چنین شکافی میان حقوق و هزینه‌های زندگی شده است، در دورانی رخ داده که خود ایشان هم نماینده بوده و نتوانسته مانع از آن بشود. دلیل اصلی اش نیز غیر از این نیست که نگذاشته اند طبقه کارگر زیر سرکوب و استبداد شدید خود را در سازمانهای کارگری مستقل سازماندهی کند و کسانی را نماینده نماید که قادر و عالم به دفاع از حقوق آنان باشند.



ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت حمایت و برای تحقق آن مبارزه می کنیم!

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!



پیام حمایت کنگره فوق العاده حزب چپ ایران از مبارزات و حقوق کارگران و تهی‌دستان کشور کارگران، مزد و حقوق‌گیران شاغل، بازنشسته و بیکاران، شما تهی‌دستان زحمتکش و محروم،

کنگره فوق العاده حزب چپ ایران به همه‌ی شما عزیزان زحمتکش که بیشترین رنج و آسیب‌ها را از استبداد و سرکوب و بی‌حقوقی و جنگ متحمل شده و می‌شوید، درود می‌فرستد، مبارزات عدالتخواهانه شما برای داشتن آزادی و زندگی بهتر را ارج نهاده و پشتیبانی و همراهی خود با شما را بار دیگر اعلام می‌دارد.

حزب ما همان‌طور که در اسناد آن منعکس است، وظیفه اصلی خود را دفاع از حقوق و منافع شما مزد و حقوق‌گیران و سایر زحمتکشان و محرومین قرار داده و دفاع از حقوق و مبارزات شما را پیوسته در برنامه‌های سیاسی و راهبردی خود قرار داده است. بهمین جهت پرداختن به وضعیت شما و اقداماتی که حزب چپ ایران باید در این راستا تدوین و تنظیم نماید، همواره، جای ویژه‌ای را در مصوبات و اسناد کنگره‌های ما به خود اختصاص می‌دهد.

عزیزان، کنگره فوق‌العاده حزب ما در شرایطی برگزار می‌شود که مدت زیادی از بروز و ظهور جنبش انقلابی دی‌ماه و سرکوب خونین آن توسط حکومت نمی‌گذرد و بیش از ۷۰ روز از جنگ تجاوزگرانه و غیر قانونی دولت‌های اسرائیل و آمریکا بر کشور ما گذشته است؛ شرائطی که روزآمد کردن سیاست‌ها و تاکتیک‌های حزب را ایجاب می‌کرد.

در این مدت هم‌چنان که خود در جریان هستید، بخشی از زیر ساخت‌ها، شهرها و واحدهای صنعتی اساسی کشور، از جمله، کارخانه‌های فولاد، پتروشیمی‌ها، ماشین‌سازی‌ها، شرکت‌های نفتی، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌های برق در نقاط مختلف کشور در اثر حملات هوایی کلا یا بخشا تخریب و عده زیادی از کارگران و کارکنان آنان، کشته، مجروح و شمار کثیری نیز مشاغل خود را از دست داده‌اند.



وقوع دو جنگ به فاصله کمتر از ده ماه، روند اعتراضات و مبارزات فزاینده شما برای بهبود مزد و معیشت و متوقف کردن تعرض حکومت به قوانین حمایتی و بی عدالتی را به حاشیه رانده و شما را از یگانه وسیله اعتراضی و مبارزاتی و دفاعی که قبل از جنگ داشتید، محروم کرده است.

به بهانه‌ی جنگ و در اثر گسترده شدن ابعاد بیکاری بی قانونی و بی حقوقی که قبل از جنگ هم وجود داشت تشدید شده است. صدها هزار کارگر ساختمانی در اثر جنگ و رکود ساختمان‌سازی بیکار و اکثراً از پوشش بیمه و تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری محروم شده‌اند.

کارفرمایان و سرمایه داران بسیاری کارگران کارخانه‌ها را به دلیل و به بهانه شرایط جنگی از کارخانه‌ها اخراج یا به مرخصی اجباری بدون حقوق می‌فرستند. دستمزدها را با تاخیر می‌پردازند، از پرداخت حق بیمه‌ها به تامین اجتماعی طفره می‌روند، مدت قراردادهای یک ماهه می‌کنند. این‌ها البته قبل از جنگ هم در ابعادی کمتر وجود داشت، اما در دوران جنگ تشدید شده‌اند. در واقع وضعیت شما کارگران، تهی دستان، صاحبان مشاغل خرد، زنان و زنان سرپرست خانواده، بیکاران، رانندگان اوبان، بازنشستگان، دستفروشان و سایر زحمتکشان در دوره جنگ بدتر شده است و بسیاری از شماها کار و درآمد خود را از دست داده‌اید و بیش از گذشته به دامان فقر در غلته‌اید. میلیون‌ها نفر از خویش فرمایان که از طریق اینترنت هزینه‌های زندگی خود را تامین می‌کردند، در اثر قطع اینترنت قادر به تامین هزینه‌های خود نیستند.

تنها در جریان جنگ ۱۲ روزه ۶۵۰ هزار نفر بیکار شدند. تعداد بیکار شدگان جنگ ۴۰ روزه از این هم بیشتر است و اگر جنگ تداوم پیدا کند، دستکم ۲ میلیون نفر از کار بیکار خواهند شد.

به اکثریت بیکاران ناخواسته حقوق بیکاری تعلق نمی‌گیرد، حقوقی هم که به بقیه داده می‌شود، بسیار اندک و جوانگوی هزینه‌های حداقلی زندگی نیست. خیلی‌ها نیز بعد از بیکاری از بیمه و تامین اجتماعی محروم می‌شوند.

وضعیت معلمان، کارمندان، پرستاران، رانندگان و آن‌هایی که هنوز مشاغل خود را از دست نداده‌اند نیز خیلی بهتر از بقیه نیست. منجمد کردن دستمزدها، قطع یارانه دارو، شوک‌های پیاپی، افزایش هزینه‌های زندگی، درمان و آموزش، تورم سه رقمی نقطه‌ای مواد غذایی فشار بر کارگران شاغل و بازنشسته را در دوران جنگ افزون کرده است.

فعالیت‌های سندیکایی به شدت سرکوب و اجازه فعالیت رسمی به تشکلهای مستقل داده نمی‌شود. وجود قراردادهای موقت، کار پیمانی، عدم حمایت قانونی از کارگران امنیت شغلی را از بین برده. اکثر قوانین حمایتی و تامین اجتماعی از بین رفته و یا تعدیل شده‌اند، حوادث کار بیداد می‌کنند، افزایش، بیکاری، بی‌حقوقی، فقر به بخشی از زندگی اکثر مردم تبدیل شده است.

ما از مبارزات شما کارگران علیه فقر و بی عدالتی، برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی، از بین بردن قوانین حمایتی، علیه استبداد، سرکوب، اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، و مدنی و لغو احکام حمایت می‌کنیم. از مبارزه شما برای آزادی، حق تشکل و اعتصاب، مخالفت با حذف قوانین حمایتی، علیه سیاست‌های نئولیبرالیستی، خصوصی سازی‌های رانتی، خصوصی سازی بخش‌های درمان و آموزش، پوشش همه‌گانی تامین اجتماعی و حقوق دوران بیکاری، از مبارزه برای برابر حقوقی زنان کارگر و شاغل با مردان و برچیدن تبعیضات موجود در محل‌های کار، از بیمه و پوشش تامین اجتماعی و پرداخت حقوق دوران بیکاری حمایت می‌کنیم.



در شرایطی که همه چیز علیه کارگران و محرومان جامعه است، جنگ نیز به عاملی برای تشدید همه‌ی محرومیت‌ها و افزودن بر رنج زحمتکشان تبدیل شده‌است، کارگران و مزد و حقوق‌بگیران راهی برای خلاصی از وضعیت جنگی و بی حقوقی و استبداد کنونی جز اتحاد و همبستگی و تشکیل سازمان‌های، کارگری مستقل ندارند. کنگره حزب چپ ایران با تاکید مجدد خود بر حمایت از منافع، حقوق و مبارزات و مطالبات کارگران و سایر زحمتکشان آنان را به همبستگی و فعالیت مشترک و تشکل‌های کارگری برای رسیدن سهل‌تر به مطالباتشان دعوت می‌کند.

در مقطع کنونی پیوستن و همکاری کارگران و تھی دستان با جنبش‌ها و جریان‌ها ضد جنگ که برای برقراری صلح مبارزه می‌نمایند به‌واسطه نقش منفی جنگ در تشدید فشار به کارگران اهمیت اساسی دارد. مبارزه علیه جنگ در واقع مبارزه علیه تشدید استثمار و برداشتن یکی از موانع موجود بر سر راه مبارزات عدالتخواهانه کارگران و زحمتکشان هم هست.

کنگره فوق العاده حزب چپ ایران
فروردین ۱۴۰۵ برابر با ۱۲ آوریل ۲۰۲۶

ما از اهداف و مطالبات مترقیانه جنبش زن، زندگی، آزادی حمایت می‌کنیم!



همایش جهانی مترقی در بارسلونا؛ لولا: جهان دیگر تاب جنگ‌های بیشتر را ندارد، سانچز: راست افراطی می‌داند زمانش رو به پایان است

رهبران چپ و مترقی جهان در بارسلونا گرد هم آمدند؛ نشست‌ی که اگرچه با عنوان «دفاع از دموکراسی» برگزار شد، اما در عمل به صحنه‌ای برای بازتعریف صف‌بندی‌های جهانی در برابر یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده، گسترش راست افراطی و تداوم جنگ‌ها تبدیل شد. دو رویداد هم‌زمان؛ «چهارمین نشست در دفاع از دموکراسی» و آغاز به کار «بسیج جهانی مترقی»، نه تنها طیفی از دولت‌ها و احزاب چپ‌گرا را کنار هم قرار داد، بلکه تلاش کرد زبان مشترکی برای پاسخ به تحولات پرشتاب نظم جهانی پیدا کند.

این گردهمایی در شرایطی برگزار شد که سیاست خارجی تهاجمی دولت دونالد ترامپ، از جنگ علیه ایران گرفته تا تهدید به مداخله نظامی در کوبا و فشار بر متحدان اروپایی برای افزایش هزینه‌های نظامی، به یکی از محورهای اصلی اختلاف در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. بارسلونا به‌نوعی به سکویی برای بیان این اختلاف بدل شد؛ هرچند بسیاری از رهبران حاضر ترجیح دادند بدون نام بردن مستقیم از ترامپ، به نقد رویکردهای او بپردازند.



بارسلونا؛ صحنه هم‌گرایی چپ جهانی

در این نشست، پدرو سانچز، نخست‌وزیر اسپانیا، به‌عنوان میزبان، در کنار لوئیز ایناسیو لولا دا سیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، نقشی محوری ایفا کرد. حضور چهره‌هایی چون کلودیا شینبائوم از مکزیک، سیریل رامافوسا از آفریقای جنوبی و گوستاوو پترو از کلمبیا، به‌همراه مقام‌های ارشد از آلمان و بریتانیا، نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد یک ائتلاف گسترده فراتر از مرزهای منطقه‌ای بود.

ابعاد این گردهمایی نیز قابل توجه بود: حدود شش هزار فعال، سیاست‌گذار و نماینده از بیش از ۴۰ کشور و ۱۰۰ سازمان در آن شرکت داشتند. چنین ترکیبی، این نشست را از یک دیدار صرفاً دولتی فراتر برد و آن را به فضایی برای تعامل میان دولت‌ها، احزاب و جامعه مدنی تبدیل کرد.

در سطح نمادین، این تجمع به‌عنوان اعلام موجودیت نوعی «همبستگی جهانی مترقی» تعبیر شد؛ تلاشی برای پاسخ به آنچه شرکت‌کنندگان «بین‌المللی شدن افراطی» می‌نامند. لارس کلینگ‌بایل، معاون صدراعظم آلمان، این ایده را به‌صراحت بیان کرد: «راست افراطی بین‌المللی است، پس ما هم باید چنین باشیم».

«دموکراسی بدیهی نیست»

سانچز در سخنرانی افتتاحیه خود، بر شکنندگی دموکراسی تأکید کرد؛ تأکیدی که در بسیاری از سخنرانی‌های دیگر نیز تکرار شد. او گفت: «دموکراسی را نمی‌توان بدیهی فرض کرد، بلکه باید با تلاش مداوم از آن محافظت کرد».

این گزاره، محور مشترک سخنان بسیاری از رهبران حاضر بود؛ اینکه دموکراسی نه‌تنها از بیرون، بلکه از درون نیز تحت فشار است — از طریق رشد نیروهای پوپولیست راست‌گرا، گسترش اطلاعات نادرست، و افزایش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی.

سانچز در ادامه، بدون نام بردن مستقیم از ترامپ، از «حملات به نظام چندجانبه»، «تلاش برای تضعیف حقوق بین‌الملل» و «عادی‌سازی خطرناک استفاده از زور» سخن گفت. این سه محور، عملاً چارچوب انتقادی اصلی این نشست را شکل دادند.

او همچنین در سخنرانی دیگری، با لحنی تندتر، راست افراطی را هدف قرار داد: «آن‌ها فریاد می‌زنند، نه به این دلیل که در حال پیروزی هستند، بلکه چون می‌دانند زمانشان رو به پایان است.» سانچز این نیروها را متهم کرد که با انکار تغییرات اقلیمی، ترویج بیگانه‌هراسی و تقویت تبعیض جنسیتی، در حال تخریب بنیان‌های نظم جهانی هستند.

«لولا: جهان دیگر تاب جنگ ندارد»

لوئیز ایناسیو لولا دا سیلوا نیز در سخنان خود، تمرکز را بر خطرات جنگ و نظامی‌گری قرار داد. او با اشاره به رفتار قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت، گفت این کشورها به‌جای ایفای نقش به‌عنوان حافظان صلح، به «سالاران جنگ» تبدیل شده‌اند.



لولا با لحنی هشدارآمیز افزود: «اگر از عقب‌گرد دموکراسی جلوگیری نکنیم، هیولاهایی مانند هیتلر دوباره متولد خواهند شد.» این جمله، بازتاب نگرانی عمیق بخشی از چپ جهانی نسبت به تکرار تجربه‌های تاریخی قرن بیستم در قالب‌های جدید بود.

او همچنین بر ضرورت پایان دادن به جنگ‌ها تأکید کرد: «به این جنون جنگ پایان دهید، زیرا جهان دیگر تاب جنگ‌های بیشتر را ندارد.» این موضع‌گیری در چارچوب گسترده‌تری قرار می‌گیرد که شامل مخالفت با جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران نیز می‌شود؛ جنگی که در بسیاری از سخنرانی‌ها، به‌عنوان نمونه‌ای از «عادی‌سازی استفاده از زور» مورد انتقاد قرار گرفت.

کوبا؛ نقطه تمرکز یک بیانیه مشترک

یکی از خروجی‌های ملموس این نشست، بیانیه مشترک اسپانیا، برزیل و مکزیک درباره کوبا بود. در این بیانیه، این سه کشور اعلام کردند که برای کاهش بحران انسانی در کوبا، کمک‌های خود را افزایش خواهند داد؛ بحرانی که به‌گفته آنان، نتیجه مستقیم محاصره ایالات متحده است.

در این بیانیه، علاوه بر محکومیت محاصره، بر ضرورت گفت‌وگو و مخالفت با هرگونه مداخله نظامی تأکید شد. همچنین تصریح شد که «مردم کوبا باید خود درباره آینده‌شان تصمیم بگیرند» — عبارتی که به‌طور ضمنی در برابر تهدیدهای مکرر ترامپ برای حمله به این کشور قرار می‌گیرد.

طرح این موضوع در سطحی بین‌المللی، نشان‌دهنده آن است که کوبا بار دیگر به یکی از نقاط کانونی تقابل میان چپ جهانی و سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شده است. در عین حال، پیشنهاد کلودیا شینبائوم برای هشدار نسبت به اقدام نظامی آمریکا علیه کوبا، نشان می‌دهد که این نگرانی صرفاً نظری نیست.

حضور دموکرات‌های آمریکایی؛ شکاف در داخل آمریکا

یکی از نکات قابل توجه این نشست، حضور چهره‌هایی از حزب دموکرات آمریکا بود. سناتور کریس مورفی و فرماندار مینه‌سوتا، تیم والز، در کنار رهبران خارجی در این گردهمایی شرکت کردند.

مورفی در سخنرانی خود، برخلاف بسیاری از رهبران دیگر، مستقیماً ترامپ را هدف قرار داد و گفت: «دونالد ترامپ به دنبال پایان دادن به دموکراسی ماست. ما در آستانه یک حاکمیت تمامیت‌خواه نیستیم، بلکه در «میانه آن قرار داریم».

این موضع‌گیری، نشان‌دهنده عمق شکاف سیاسی در داخل ایالات متحده است؛ شکافی که اکنون به عرصه سیاست بین‌الملل نیز کشیده شده است. ارسال پیام‌های ویدیویی از سوی چهره‌هایی چون برنی سندرز و هیلاری کلینتون نیز این تصویر را تقویت می‌کند.

در حالی که این نشست در جریان بود، ترامپ در شبکه اجتماعی خود به شدت از اسپانیا و شخص سانچز انتقاد کرد. او وضعیت اقتصادی این کشور را «فاجعه‌بار» توصیف کرد و از سهم پایین آن در ناتو انتقاد کرد.

این واکنش، بخشی از تنش گسترده‌تر میان واشنگتن و مادرید است؛ تنش‌ای که پس از امتناع اسپانیا از اجازه دادن به استفاده از پایگاه‌های نظامی خود برای عملیات علیه ایران و مخالفت با افزایش هزینه‌های نظامی تشدید شده است.



با این حال، داده‌های اقتصادی نشان می‌دهد که اسپانیا در سال‌های اخیر یکی از سریع‌ترین رشد‌ها را در میان اقتصادهای اروپایی داشته است — نکته‌ای که سانچز و حامیان‌ش از آن به‌عنوان پاسخ به انتقادات ترامپ استفاده می‌کنند.

پیشنهادها؛ از مالیات بر ثروتمندان تا جنگل‌کاری

نشست بارسلونا تنها به بیان مواضع سیاسی محدود نماند و برخی پیشنهادها مشخص نیز در آن مطرح شد.

سیریل رامافوسا اعلام کرد که آفریقای جنوبی قصد دارد پیش‌نویس قطعنامه‌ای برای ایجاد «هیأت بین‌المللی مقابله با نابرابری» به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهد. هدف این ابتکار، مقابله با شکاف فزاینده ثروت در سطح جهانی است.

کلودیا شینباوم، رئیس‌جمهور مکزیک، پیشنهاد کرد بیانیه‌ای در مخالفت با هرگونه مداخله نظامی در کوبا «صادر شود و تأکید کرد «گفت‌وگو و صلح باید حاکم باشد».

رئیس‌جمهور مکزیک، همچنین پیشنهاد کرد که کشورها ۱۰ درصد از بودجه نظامی خود را به پروژه‌های جنگل‌کاری اختصاص دهند. او این ایده را با جمله‌ای نمادین بیان کرد: «به‌جای کاشتن بذرهای جنگ، بذرهای «زندگی را بکاریم».

در سطح اقتصادی، دولت اسپانیا اعلام کرد که در حال همکاری با برزیل برای اعمال مالیات بر ابرثروتمندان است — اقدامی که می‌تواند به یکی از محورهای سیاست‌گذاری مشترک در میان دولت‌های مترقی تبدیل شود.

سانچز همچنین بر ضرورت تنظیم‌گری شبکه‌های اجتماعی تأکید کرد؛ موضوعی که به‌ویژه در زمینه مقابله با نفرت‌پراکنی و اطلاعات نادرست اهمیت دارد.

راست افراطی؛ رقیبی که سازمان یافته است

در حاشیه این نشست، رهبران راست افراطی اروپا نیز در میلان گرد هم آمدند و هزاران نفر در اعتراض به مهاجرت و اتحادیه اروپا تظاهرات کردند. این هم‌زمانی، تصویری از دو روند متقابل در سیاست جهانی ارائه می‌دهد: از یک‌سو تلاش برای سازمان‌دهی نیروهای مترقی، و از سوی دیگر بسیج راست افراطی.

با این حال، برخی تحولات نیز به نفع اردوگاه مترقی تفسیر شد؛ از جمله شکست ویکتور اوربان در انتخابات مجارستان. این رویداد در سخنان برخی از شرکت‌کنندگان، از جمله کریس مورفی، به‌عنوان نشانه‌ای از امکان عقب‌نشینی راست افراطی مورد اشاره قرار گرفت.

در میان همه این تحولات، نقش پدرو سانچز بیش از دیگران برجسته شد. تحلیل‌گران اروپایی معتقدند که او تلاش می‌کند از این نشست به‌عنوان سکویی برای تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یکی از رهبران اصلی چپ جهانی استفاده کند.

ترکیب مواضع او، از دفاع از چندجانبه‌گرایی و انتقاد از جنگ گرفته تا طرح سیاست‌های اقتصادی مترقی نشان‌دهنده تلاشی برای ارائه یک الگوی جایگزین در برابر سیاست‌های مسلط فعلی است.



در عین حال، روابط او با ترامپ و مواضع مستقلش در قبال سیاست‌های آمریکا، او را به یکی از چهره‌های بحث‌برانگیز در سطح بین‌المللی تبدیل کرده است.

نشست بارسلونا را می‌توان تلاشی برای بازسازی یک گفتمان مشترک در میان نیروهای چپ و مترقی دانست؛ گفتمانی که بر چند محور اصلی استوار است: دفاع از چندجانبه‌گرایی، مخالفت با جنگ و نظامی‌گری، مقابله با نابرابری و ایستادگی در برابر راست افراطی.

با این حال، چالش‌های پیش روی این پروژه نیز قابل توجه است: از اختلافات درونی میان دولت‌ها گرفته تا فشارهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی، و همچنین قدرت سازمان‌یافته نیروهای راست‌گرا.

آنچه در بارسلونا شکل گرفت، بیش از آنکه یک ائتلاف منسجم باشد، نوعی تلاش برای آغاز گفت‌وگویی گسترده‌تر است — گفت‌وگویی درباره اینکه در جهانی که بیش از پیش به سوی قطبی‌شدن پیش می‌رود، آیا هنوز می‌توان بر سر اصولی مشترک برای نظم بین‌المللی به توافق رسید یا نه.



ماجراجویی کور در آستانه پایان آتش‌بس

محمد مالجو

اصرار بر تداوم تقابل در آخرین روزهای آتش‌بس نه نشانه صلابت که بیانگر نوعی گریز از واقعیت است. توازن قوا نه با شعار که با وزن انباشت‌شده خسارت‌ها سنجیده می‌شود. تقابل‌گرایان با نادیده‌گرفتن این واقعیت عملاً جنگ را به سطحی از تخیل استراتژیک فروکاسته‌اند: هر ضربه‌ای به بیرون‌انگار خودکار به تقویت درون می‌انجامد. اما تجربه دقیقاً عکس این را نشان می‌دهد.

این رویکرد عملاً سیاست را به قمار بدل می‌کند: قمار بر سر زیرساخت‌ها، بر سر ظرفیت تولید، و مهم‌تر از همه بر سر تاب‌آوری جامعه‌ای که پیشاپیش زیر بار بحران‌ها کمر خم کرده است. در این منطق انگار ویران‌سازی نه تهدید که ابزار تلقی می‌شود. انگار که با تعمیر ناامنی می‌توان امنیت خرید. اما چنین تصویری اصلاً نوعی وارونگی خطرناک در عقلانیت سیاسی است. ویران‌سازی مهارنشده، در شرایط کنونی، رقیب را به‌سختی متضرر می‌کند اما از پا نمی‌اندازد. ویران‌شدگی بی‌مهار، برعکس، ما را دیر یا زود از پا خواهد انداخت.

تقابل‌گرایان از «بازدارندگی» سخن می‌گویند اما آنچه می‌سازند چرخه‌ای از تشدید است، هر دور شدیدتر از دور قبلی. پافشاری بر این مسیر نه جسارت که ماجراجویی کور است، نوعی ماجراجویی که هزینه‌اش را نه



طراحان این خط بلکه نسل‌های امروز و فردای جامعه‌ای می‌پردازند که صدای‌شان در این میان شنیده نمی‌شود.



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در اطلاعیه‌ای بخشنامه تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۵ را ابلاغ کرد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و امور بین الملل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، متن بخش نامه تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۵ به شرح زیر است:

در اجرای ماده (۴۱) قانون کار، شورای عالی کار با حضور نمایندگان سه گروه (دولت، کارفرمایان و کارگران) در جلسه مورخ بیست و چهارم اسفندماه سال گذشته راجع به تعیین حداقل مزد سال ۱۴۰۵، پس از بحث و بررسی موارد زیر را به اتفاق آرا مورد تصویب قرار داد:

۱- از اول سال ۱۴۰۵ «حداقل مزد روزانه» با نرخ یکسان برای کلیه کارگران مشمول قانون کار (اعم از قرارداد کار دائم یا موقت) مبلغ روزانه پانصد و پنجاه و چهار هزار تومان (پنج میلیون و پانصد و چهل و یک هزار و هشتصد و پنجاه ریال) تعیین می‌شود. همچنین از اول سال ۱۴۰۵ «سایر سطوح مزدی» به میزان ۴۵ درصد مزد ثابت یا مزد مینا (موضوع ماده ۲۶ قانون کار) به اضافه روزانه مبلغ ۵۱۹۵۴۹ ریال (پانصد و نوزده هزار و پانصد و چهل و نه ریال) به نسبت آخرین مزد در سال ۱۴۰۴ افزایش می‌یابد.

تبصره: با اعمال افزایش این بند مزد شغل کارگران مشمول طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نیز مزد ثابت سایر کارگران نباید از مبلغ روزانه ۵۰۵۴۱، ۸۵۰ ریال (پنج میلیون و پانصد و چهل و یک هزار و هشتصد و پنجاه ریال) بند (۱) کمتر شود.

۲- به کارگرانی که در سال ۱۴۰۵ دارای یک سال سابقه کار باشند یا یک سال از دریافت آخرین پایه سنواتی آنان گذشته باشد، روزانه مبلغ ۱۶۶.۶۶۷ ریال (یکصد و شصت و شش هزار و ششصد و هفت ریال) نیز به عنوان «پایه سنوات» پرداخت خواهد شد.

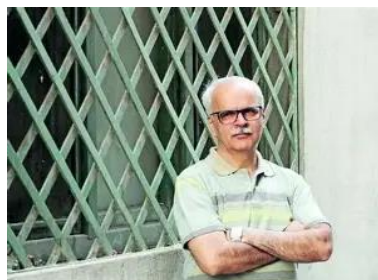
تبصره ۱: پرداخت مبلغ مربوط به پایه سنواتی کارگران مشمول طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل مصوب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن رقم فوق‌الذکر برای گروه (۱) با توجه به دستورالعمل و جدول اعلامی توسط «اداره کل روابط کار، جبران خدمت و بیمه بیکاری» صورت می‌گیرد.

تبصره ۲: به کارگران فصلی به نسبت مدت کارکردشان در سال ۱۴۰۴، میزان مقرر در این بند یا تبصره (۱) آن حسب مورد تعلق خواهد گرفت.

تبصره ۳: از ابتدای سال ۱۴۰۵ همه کارگران دارای قرارداد کار دائم و موقت مشمول قانون کار که دارای یک سال سابقه کار باشند و یا یک سال از دریافت آخرین «پایه سنوات» آنان در همان کارگاه گذشته باشد، اعم



- از اینکه حق سنوات یا مزایای پایان کار خود را تسویه حساب کرده باشند یا خیر، مشمول دریافت «پایه سنوات» خواهند بود.
- ۳- بر اساس مصوبه مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۱ شورای عالی کار مقرر شد از ابتدای سال ۱۴۰۵ «کمک هزینه اقلام مصرفی خانوار» به عنوان «مزایای رفاهی و انگیزه‌ای» موضوع تبصره (۳) ماده (۳۶) قانون کار برای کارگران (اعم از متأهل یا مجرد) ماهانه مبلغ ۲۲.۰۰۰ ریال پرداخت گردد.
- ۴- مبلغ حق تأهل کارگران متأهل (اعم از مرد یا زن) از فروردین ماه سال ۱۴۰۵ مبلغ ۵۰.۰۰۰ ریال (پنج میلیون ریال) از سوی کارفرمایان پرداخت شود.
- ۵- ضوابط مربوط به چگونگی نحوه اعمال افزایش مقرر در بند (۱) و تبصره (۱) بند (۲) در کارگاه‌هایی که دارای طرح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشند و نیز در مورد کارگران کارمزدی و همچنین چگونگی ارتقاء طبقه شغلی به موجب دستورالعمل‌های «اداره کل روابط کار، جبران خدمت و بیمه بیکاری» خواهد بود.
- ۶- مقررات این مصوبه شامل دانش آموزان و دانشجویانی که در ایام تعطیلات تابستانی در سال ۱۴۰۵ به طور موقت و به منظور آشنایی با فضای کسب و کار و محیط‌های کارگاهی در کارگاه‌ها اشتغال می‌یابند نخواهد شد.
- ۷- به منظور ایجاد انگیزه در کارکنان و تقویت رابطه مزد و مزایا با افزایش تولید و بهره‌وری، واحدهای مشمول قانون کار می‌توانند در قالب موافقت‌نامه‌های کارگاهی و پیمان‌های دسته جمعی نسبت به برقراری و افزایش‌های مزد و مزایا با تایید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اقدام نمایند.
- ۸- بر اساس مصوبه جلسه شماره ۳۴۲ مورخ بیست و چهارم فروردین ۱۴۰۵ شورای عالی کار، اختیار تعیین افزایش مزد برای سایر سطوح مزدی در واحدهای آسیب دیده در جنگ رمضان را در قالب پیمان‌های دسته جمعی به رؤسای تشکلهای عالی کارگری و کارفرمایی محول می‌نماید.
- ۹- سقف خالص پرداختی متوسط ماهانه» به کارکنان شاغل در موسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و «شرکت‌های غیر دولتی وابسته به نهادها و مؤسسات مذکور و شرکت‌های غیر دولتی وابسته به صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی که مدیران آنها به هر طریق توسط دولت و یا مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی و یا صندوق‌های بازنشستگی منصوب می‌شوند، با رعایت قوانین و مقررات عمومی کشور به ترتیب مقرر در قانون بودجه سال ۱۴۰۵ مصوب مجلس شورای اسلامی خواهد بود.





سعید مدنی آزاد شد

سعید مدنی جامعه شناس پس از تحمل ۴ سال حبس از زندان دماوند آزاد شد.



برآورد خسارت ۲ همت / B1/هزینه ۱۵ هزار میلیارد تومانی ساخت دوباره پل

معاون ساخت آزادراه‌های شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل با بیان اینکه بررسی‌ها برای ادامه دارد، گفت: میزان خسارت وارد شده حدود ۲ همت برآورد شده و اگر B1 بازسازی یا ساخت دوباره پل تصمیم بر ساخت دوباره پل باشد، به ۱۵ همت نیاز داریم.



کارنامه سبزه‌ها که از استان‌های مختلف برای اعتراض به تهران آمده‌اند، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کرده و خواستار تعیین تکلیف جذب و استخدام هستند.

آن‌ها می‌گویند: چند صد نفر از شهرهای مختلف آمده‌ایم تا تکلیف‌مان را روشن کنیم؛ آموزش و پرورش اجازه جذب ۷ هزار نیرو را دارد اما برای استخدام ما که از مهرماه ۱۴۰۴ در انتظار جذب و تعیین تکلیف هستیم، اراده‌ای نیست.

داوطلبان جذب در آموزش و پرورش، خواستار پاسخگویی این نهاد و استخدام در اسرع وقت هستند. گفتنی است این تجمع با آرامش موقتی که در اثر آتش بس بوجود آمده بود میسر شد و از اولین‌ها در نوع خود بعد از جنگ ۴۰ روزه بود.



افزایش کم‌سابقه قیمت دوا و درمان/ بازنشستگان دارایی می‌فروشند و بیمارستان می‌روند!



یک فعال کارگری با اشاره به هزینه‌های سنگین درمان گفت: در مواردی مشاهده می‌شود که بازنشستگان برای تأمین هزینه‌های درمانی خود مجبور به قرض گرفتن یا فروش دارایی‌های اندک خود می‌شوند که این مسئله شأن و منزلت این قشر زحمتکش را به شدت زیر سؤال می‌برد

برخورداری از بیمه و تأمین اجتماعی حق همه ی کارگران است!

زنده باد همبستگی کارگران!

متحد و متشکل علیه سیاستهای شوک درمانی و ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!

از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>